روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۳ _ ۲ محرم ۱۴۴۶ _ ۸ جولای ۲۰۲۴- شماره ۲۴۵۴ _ سال نهم
۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴
t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir
صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره
مدیر هنری: امین مریخی چاپ: صمیم ۲- ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰
تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

موزه

کشف خمره‌های باستانی در عمق ۱۸۰۰متری مدیترانه

محققان در دریای مدیترانه، جایی که سه ساعت از خشکی فاصله داشت دو آمفورا (خمره سفالی، یا ساخته‌شده از فلزی مانند طلا و نقره که ۲ دسته دارد) پیدا کردند. این آمفوراها از کشتی‌ای یافت شدند که متعلق به عصر برنز بود. این آثار حداقل در بین آثار به‌دست‌آمده‌ای که مربوط به ۳۲۰۰سال گذشته می‌شدند، بی‌همتاست. کشتی غرق‌شده دورتر از سواحل شمالی فلسطین واقع شده و ده‌ها کوزه کنعانی در آن یافت شده است که محققان تنها دو کوزه را بازیابی کرده‌اند. این کوزه‌ها متعلق به تنها کشتی یافت‌شده از آن دوران است. تنها تعداد انگشت‌شماری دیگر از کشتی‌های عصر برنز پسین کشف شده که همه آن‌ها در آب‌های کم‌عمق ساحلی دریای مدیترانه، ازجمله دریای اژه یافت شده‌اند. از حدود سال ۲۰۰۰قبل از میلاد، در عصر برنز، تجارت دریایی به‌خصوص در دریای مدیترانه غوغا به پا کرد. در آن زمان این کوزه‌ها را برای ذخیره‌سازی منابع و در مسیر شام حمل می‌کردند. از ویژگی آمفوراها این است که معمولاً پایین‌شان نوک‌تیز یا گرد است، بنابراین با حرکت کشتی تکان می‌خورند، اما واژگون نمی‌شوند و نمی‌شکنند. این ظروف در طول قرن‌ها به شکلی تکامل‌یافته‌اند که می‌توان با بررسی شکل و طرح آن‌ها را به‌طور قابل‌اعتمادی تاریخ‌گذاری کرد. بنابراین بر اساس گردن کوزه‌های اخیراً کشف‌شده، زاویه برجسته شانه‌ها و قاعده نوک‌تیز آن‌ها، قدمت این آمفوراها بین ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰قبل از میلاد تخمین زده می‌شود. اولین نشانه‌های کشتی غرق‌شده، سال ۲۰۲۳ طی یک بررسی زیست‌محیطی قبل از توسعه میدان گازی جدید یافت شد. بررسی‌ها حداقل ۹مکان باستان‌شناسی در اعماق دریا، ازجمله کشتی غرق‌شده‌ای مربوط به اواخر عصر برنز را آشکار کرد. اما جزئیات این یافته‌ها هرگز فاش نشد و مکان‌ها هرگز حفاری نشدند. محققان در کاوش‌های بستر دریا به دنبال مناطق و زیستگاه‌های حساسی بودند که ارزش نجات داشته باشد. امواج ردیاب‌ها مکانی را نشان می‌داد که عمدتا از زباله‌های امروزی تشکیل شده بود. تصاویر آن‌ها کیسه‌های پلاستیکی، صندلی‌های عرشه، بشکه‌های روغن و توالت چینی، همراه با صندلی را نشان می‌دهد. گاهی اوقات آن‌ها آمفورا و قطعات سرامیکی نیز در میان زباله‌ها پیدا می‌کنند. این بار اما امواج ردیاب، مجموعه بزرگی از کوزه‌ها را نیز نشان داد. بنابراین آن‌ها کوزه‌ها و هرگونه مصنوع دیگر را که در عمق ۱۸۰۰متری دیده‌شده بود، برای تعیین منشأ کشتی بازیابی کردند. ده‌ها کوزه، تقریباً یکسان با حدود نیم متر طول، در یک محدوده جمع شده بودند. با کنار رفتن ردیف اول، ردیف دومی از آمفورا تا به چشم می‌خورد. محققان چند آمفورایی که می‌توانستند با حداقل خسارت بیرون بیاورند را انتخاب کردند. تاریخ پیشنهادی برای این آثار، دقیقاً در میانه‌ی مرتبط‌ترین دوره اواخر عصر برنز است که روزگار آن با اوج دریانوردی در دریای اژه و شرق مدیترانه مطابقت دارد. این کشتی غرق‌شده، یافته‌ای باورنکردنی از این عصر به شمار می‌رود؛ زیرا هر کشتی شکسته‌ای اساسا یک ماشین زمان است و هرچه در آن کشتی بوده، در یک‌لحظه غرق شده است. فقدان امواج، طوفان‌ها و فعالیت‌های انسانی شدید در این منطقه نشان می‌دهد که بقایای این کشتی احتمالاً بهتر از دیگر مصنوعات غرق‌شده که در نزدیکی ساحل یافت می‌شوند، حفظ‌شده است. اگرچه آمفوراها به‌وضوح نشان می‌دهند که کشتی همراه با آن‌ها غرق‌شده، اما چیزی از بدنه کشتی در این جست‌وجو قابل‌مشاهده نبود. ممکن است بخشی از بقایای کشتی چوبی زیر انبوه کوزه‌ها در گل دفن شده باشد. حفاری‌های اعماق دریا گران، پیچیده و مملو از مشکلات روش‌شناختی هستند. با این حال احتمالا محققان دیگر می‌توانند در آینده آثاری از کشتی نیز پیدا کنند.

حافظه تاریخی

پیمان سعدآباد، سرپوشی بر قرارداد واگذاری هرات

پیمان سعدآباد یا عهدنامه عدم تعرض، پیمانی است که در تاریخ ۱۷تیرماه سال ۱۳۱۶، در کاخ سعدآباد تهران، میان چهار کشور ایران، عراق، افغانستان و ترکیه به امضا رسید.دولت‌های امضاکننده این پیمان، متعهد شدند که از مداخله در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند و مرزهای مشترک را محترم بشمارند. همچنین این کشورها متعهد شدند از هرگونه تجاوز نسبت به خطوط مرزی یکدیگر خودداری کرده و از تشکیل جمعیت‌ها و گروه‌هایی که هدف آن‌ها اختلال در صلح در میان کشورهای هم‌جوار و هم‌پیمان است، جلوگیری کنند. پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان دولت ایران و به‌نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بود، زیرا قسمتی از ارتفاعات آرارات که دارای موقعیت سوق‌الجیشی مهمی بود به ترکیه واگذار شد.در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و نصف شط‌العرب را که طبق اصول و مقررات بین‌المللی خط تالوگ است به عراق واگذار کرد تا از بابت عبور کشتی‌های نفتکش از آبادان، ایران مبالغی به دولت عراق تحت‌الحمایه انگلیس بپردازد.

این پیمان میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان یک پیمان عدم تجاوز امضا شد که چون درکاخ سعدآباد (تجریش) امضاء شده بود به پیمان سعد آباد معروف شده است. وزیران امور خارجه افغانستان، ترکیه و عراق برای این منظور به تهران آمده بودند. [در آن زمان هنوز پاکستان تاسیس نشده بود که وارد این پیمان شود] درسانه‌های آلمان دو سال و چند ماه بعد و پس از آغاز جنگ جهانی دوم مدعی شدند که این پیمان طبق نقشه انگلیسی ها منعقد شده بود تا رضاشاه پهلوی در اجرای اندیشه «احیاء ایران زمین»، با کمک گرفتن از آلمان و احیانا سازش با مسکو و آنکارا، در صدد ضمیمه کردن افغانستان، همه بلوچستان و شرق رود دجله به ایران برنیاید. قرارداد پاریس که به جنگ انگلستان با ایران پایان داد و دولت تهران مناطق تاجیک نشین افغانستان ازجمله شهر هرات را که از زمان کوروش بزرگ بخش اصلی ایران بود واگذار کرد (در شرایطی) دست دولت تهران برای لشکرکشی به افغانستان و استقرار نظامی در آنجارا بازگذارده است. به گمان دولت لندن، پیمان سعدآباد می توانست شرایط مندرج در قرارداد مورخ چهارم مارس ۱۸۵۷ پاریس را منتفی و دست کم کمرنگ کند!

مورخان معاصر در تالیفات خود، نزدیک شدن بعدی افغانستان به دولت مسکو را هم یک نقشه لندن به منظور رهانیدن خود از کابوس وحدت ایران و تاجیک‌های افغانستان ذکر کرده اند. هرگونه الحاق تاجیک ها به ایران باعث وحدت پشتون های دو سوی خط مرزی لندن ساخته «دورَند = دوراند»، پیدایش کشوری تازه (پختونستان) و احتمالا از میان رفتن افغانستان و پاکستان خواهد بود که هر دو کشور با نقشه لندن ساخته شده اند. سیاست های انگلستان در آسیای جنوبی عامل اصلی تجزیه ایران زمین و جدا شدن تدریجی افغانستان بود. بیش از دو قرن است که انگلستان نسبت به افغانستان حساسیت ویژه از خود نشان داده است! به باور برخی از مفسران، تلقینات و نظرات دولت لندن در اجرای سیاست های دولت واشنگتن بویژه از سال ۲۰۰۱ بی تاثیر نبوده است. نظر این مورخان بر این است که دولت تهران به افغانیان که به صورت آواره و پناهنده وارد ایران می‌شوند تابعیت بدهد زیرا که ایرانی هستند و سیاست های لندن آنان را از وطن قدیمی جدا کرده نه اراده خودشان. تهران با دادن تابعیت به این افغانیان به هدف‌های متعدد دست خواهد یافت ازجمله برنامه افزایش جمعیت و ....

سازمان آگهی ها
روزنامه همدلی
۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ ۰۹۱۲۱۸۴۳۸۵۳۷

تاریخ

تحولات روشنفکری در ایران

جهانگیر ایزدپناه
فعال اجتماعی

افکار روشنگرانه خلق‌الساعه نبوده و در جوامع انسانی از همان دوران باستان انسان‌های روشنگر وجود داشته‌اند که کار فکری و فرهنگ سازی و معنا و آگاهی بخشی می‌کردند و وضع اجتماعی و باورهای موجود را به طریقی به چالش می‌کشیدند اما سرآغاز بارز یا نقطه عطف روشنفکری در جهان از زمان رنسانس و هیومانیسم (اومانیسم) بود و در ایران هم در عهد قاجار و انقلاب مشروطه رقم خورد. پیشنیازها و زمینه این امر با آشنایی ایرانیان با غرب به واسطه اعزام دانشجو، سفرها و سفرنامه ها، آغاز روزنامه یا ترجمه روزنامه‌ها و شکست ایران در جنگ با روسیه تزاری به سبب تجهیزات برتر نظامی روس‌ها و ریشه‌یابی شکست‌ها و مشاهده پیشرفت‌های اروپاییان و سبک نوین زندگی و حیات اجتماعی و سیاسی جدیدشان و مقایسه این پیشرفت‌ها با عدم توسعه در ایران بود که در نتیجه آگاهان عرصه اجتماع و اندیشه را به تفکر واداشت که علت این عدم توسعه و عقبماندگی چیست و چه باید کرد؟ این کنجکاوی و تفکر آگاهان جامعه را به سوی آشنایی با افکار و آثار اندیشمندان غرب نظیر مونتسکیو، ولتر، روسو و... رهنمون ساخت و دریافتند که پیشرفت یا عدم پیشرفت جامعه به نوع حاکمیت‌ها و نحوه اداره امور جامعه بستگی دارد و پیشرفت و ترقی در گرو حاکمیت قانون و قانونمندی و نقش مردم درسرنوشت خویش است و تدوین قوانین برای تعیین حدود ساختارهای قدرت و حکومت و مشخص نمودن حیطه قوانین مدنی واحکام شرعی ضروری است. کشف گردش زمین به دور خورشید توسط گالیله و... که در واقع اقدام و کشفیاتی بود در راه حقایق چرخه طبیعت و زیست شناسی، هم در چارچوب کار روشنفکری است زیرا بافته‌های ذهنی و جزمی و مطلق گرای رایج زمانه را به چالش کشاندند و حقایق نوینی را عرضه داشتند و بینش وتجرب و مشاهدات علمی را جایگزین بافته‌های ذهنی و ناصواب گذشته نمودند و تحول نوینی در افکار انسان‌ها ایجاد کردند و جزمیات قرون وسطایی را به چالش کشیدند و به تدریج عصر نوینی را رقم زدند. رسالت روشنفکر را نباید در رد و نفی خلاصه کرد. رد و نفی بدون ارائه رهنمون و جایگزین مناسب نوعی نق زدن است. روشنفکر ضمن برشمردن کاستی‌ها و رد ونفی یک امر بایستی این توانایی را داشته باشد که جایگزینی سازنده تر و پیشرو و مترقی تر ارائه دهد تا تحولاتی مثبت در چارچوب خردجمعی صورت گیرد و خردجمعی مبنای کار گردد. خود روشنفکر مجری امور یا سیاسی کار سازمان یافته نیست اما با دیده تیزبین خود کاستی‌ها و ناروایی ها را درمی‌یابد و بیان می‌کند و با مردم در میان می‌گذارد و به مردم آگاهی و دانایی میبخشد، فرهنگ سازی و دانش افزایی می‌کند، جزمیات موانع ترقی جامعه را به مهمیز می‌کشد و زمینه اجتماعی را برای اصلاح امور یا تغییر و دگرگونی وضع موجود مهیا می‌سازد. لازم است که روشنفکر بر رسالت خود استوار باشد اما در عین حال به هیچ وجه خود را دانای مطلق و بی نیاز از تبادل نظر و آموختن وارتباط با مردم جامعه خود و جهان پیرامونی نپندارد. تابع تبلیغات و روایات رسمی و غیرنقادانه نگردد و از توانایی بررسی و تحقیق مستقل و تجزیه و تحلیل برخوردار باشد. در لابلای نظرهای مختلف در مورد رسالت روشنفکران می‌توان به نکات یا سرلوحه مشترکی نظیر اهمیت تعلیم و تربیت و تلاش برای آغازیدن تفکر در جوامع بشری اشاره کرد که در کلام ولتر چنین آمده‌اند: «کتابها بر عالم و لااقل بر اقوامی که خواندن و نوشتن می‌دانند حکومت می‌کند... هیچ چیز مثل تعلیم و تربیت آزادکننده نیست... اگر قومی به تفکر آغاز کند نمی‌توان آن را متوقف کرد.» این یک واقعیتی است که تأثیرگذاری و هنر روشنفکران متفاوت از سیاستمداران و احزاب سیاسی است اما به طریقی دیگر در خدمت ترقی جوامع است. نویسندگانی نظیر تولستوی سروکاری با احزاب و سازمان‌های سیاسی روسیه نداشتند اما توصیفی که تولستوی در آثار خود از زندگی مردم روسیه و ظلم و ستم های حاکمان روسیه می‌دهد به طور قطع زمینه‌ساز انقلاب‌های بعدی روسیه بود. زنده یاد محمد قاضی یک جمله زیبا بدین مضمون دارد که کار ما نویسندگان فروریختن ساختار حکومت‌ها نیست اما همانند جریان آب پی دیوار حاکمیت‌های مستبد را چنان نمناک و سست می‌کنیم که با کوچک‌ترین فشاری از جانب مردم و نیروهای سیاسی فرو ریزد یا به تعبیری روشنفکران یا اهل علم و ادب زمینه اجتماعی ریزش دیوار یا ساختار حاکمیت‌های استبدادی را مهیا می‌سازند. این همان ترویج آغازیدن تفکر و فرهنگ و اندیشه سازی است که بدین وسیله مردم بیاموزند و با عقل و خرد و مشارکت جمعی راه ترقی را رقم زنند. طنز و طنازی هم کاری روشنفکرانه است زیرا طنز لبخند یا بهتر است بگوییم نیشخندی است از جنس تفکر و بیان شوخگین کاستی‌ها و خواسته‌های اجتماعی. طنز هنر ظریف بیان کاستی‌ها و مطالبات اجتماعی است و طناز نقش یک دلقک اجتماعی را دارد؛ دلقک نه به معنای تحقیرآمیز آن بلکه به معنای هنر بیان شوخی آمیز نقایص و عیوب که در کلام جدی بیانش یا مواخذه دارد یا اثرگذاری هنرمندانه‌ای همانند طنز را ندارد. طنز نقشی همچون شعر و موسیقی دارد که وقتی کلام عادی از توان تأثیر بازمی‌ماند یا کمتر امکان گفتنش هست طنز با نرمه تیغ اصلاحگرش میدانداری می‌کند. تاریخ روشنگری به درازنای تاریخ جامعه بشری است. با برداشتی ساده‌انگارانه روشنگری و روشنفکری را به دوران خاصی محدود نکنیم. درست است که بنا به رشد ایده‌ها و فلسفه و علم و صنعت در اروپا اندیشمندان اروپایی در نظم و انسجام بخشی به دانش‌ها و شرح و تفسیر پدیده‌ها و ابداع اصطلاحاتی نوین نظیر روشنفکر پیشدست و مقدم بوده‌اند اما این به معنی این نیست که پدیده روشنفکری و روشنگری مختص اروپا بوده یا اگر در اروپا به منصه ظهور نمی‌رسید چنین قشری وجود نمی‌داشت یا به مرحله کنونی نمی‌رسید. وجود پدیده‌ها مقدم‌تر و بیشتر از نامگذاری و تئوریزه کردن و بحث پیرامون آنهاست، وجود یا پدیده همیشه پیش از تعاریف آن وانسجام بخشی و بحث و پرداختن یا اصطلاح سازی برای آن وجود دارد. به قول شاعر: «ذره‌ها پیوسته شد با ذره‌ها / تا پدید آمد همه ارض و سما / تا که ما آن جمله را بشناختیم / بهر هر یک اسم و معنا ساختیم.»

اینکه کار روشنفکری در عصر روشنگری پسارنسانس گسترش یافته و برجسته گردیده به این معنی نیست که کار روشنفکرانه پیش از آن وجود نداشته یا منحصر به اروپائیان بوده. این یک پدیده تاریخی است و در تمام ادوار تاریخی کمابیش به نسبت زمانه خود وجود داشته است. اگر پدیده روشنگری و روشنفکری را تنها در مرحله رشد و گسترش آن در پسارنسانس خلاصه نکنیم و قبول کنیم که در تمامی طول تاریخ جوامع انسانی، آگاهان و نخبگان فکری و فرهنگ‌ساز و ایده آفرین و آگاهی بخش و چالشگر وضع موجود وجود داشته اند، آنگاه می‌پذیریم که روشنگری وروشنفکری محدود به اروپائیان یا محدود به پسارنسانس نبوده و در تاریخ تمدن و فرهنگ همه جوامع بشری وجود داشته اما در دوران پسارنسانس گستره وسیع یافته و برجسته گردیده و به نقطه عطف خود رسیده است. اگر به امر روشنفکری چون دیگر پدیده‌ها به عنوان امور نسبی بنگریم پی خواهیم برد که حتی در جوامع دوران ابتدایی و باستانی و میانه افراد یا نخبگان فکری یافت می‌شدند که بنا به شرایط آن روز نسبت به بقیه کار فکری روشنگرانه و فرهنگ‌ساز انجام می‌داده اند منتها در عصر جدید وگسترش دستاوردهای بشری و تقسیم کار و گسترش تخصص و آموزش وعلوم و فزونی اقشار میانی که در آن اروپا پیشگام بوده، پدیده روشنفکری نمود بارزی یافت و با توجه به رشد علم، اندیشه و اقتصاد روشنفکران استقلال بیشتری یافته‌اند و از شر وابستگی به طبقات فرادست و حاکمان رهایی یافتند. علمی اندیشی، این دنیانگری، تجددطلبی و آفرینش ایده‌های نوین و تلاش برای آزادی و برابری انسان‌ها و انسان را در مرکز توجه قرار دادن و تعقل و خرد جمع مشخصات بارز آن‌ها گشته و حوزه کاری آنها مجزا و مستقل گردیده است. پیش از عصر جدید هم در شرق از جمله ایران و هم در اروپا به علت عدم وجود گستردگی تقسیم کار، روشنگران اجتماعی یعنی اهل علم و ادب وحکمت بنا به شرایط زندگی معمولا استقلال نداشته و به نوعی در دربارها یا دم و دستگاه حاکمان مشغول به کار بودند ولی با این اوصاف کار روشنگری و فرهنگی خود را انجام می‌دادند. در ایران شعرا و اهل علم و ادب هم برای گذران زندگی مجبور به ارتباط با حاکمان و قدرتمداران بودند. در اروپا هم اوضاع چنین بوده و اهل علم، ادب، هنر و فلسفه با اربابان کلیسا و سلطنت سروکار داشتند. داوینچی، ولتر و فرانسیس بیکن نمونه‌های قابل ذکرند. فرانسیس بیکن مدتی در سفارت انگلیس در پاریس خدمت کرد، نماینده شد، دادستان کل شد، عضو دیوان عالی کشور شد، به ملکه انگلیس هم وفاد ار بود. از طرفی نمی‌توان حکم کلی صادر کرد و کار روشنفکری را از عرصه سیاست کاملا جدا کرد. تجربه تاریخ خلاف این امر را هم در بر دارد، گرچه گذشت زمان کفه ترازو را به سود رغبت نخبگان به سوی علم وادب سنگین می‌کند. «فرانسیس بیکن» فلسفه و سیاست را در هم آمیخت و معتقد بود که علم باید با عمل همراه گردد، به همین خاطر وارد گود سیاست شد اما در آخر عمر افسوس می‌خورد که باید سیاست را زودتر ترک می‌کرد و وقت خود را صرف علم وادب می‌کرد.

دریچه

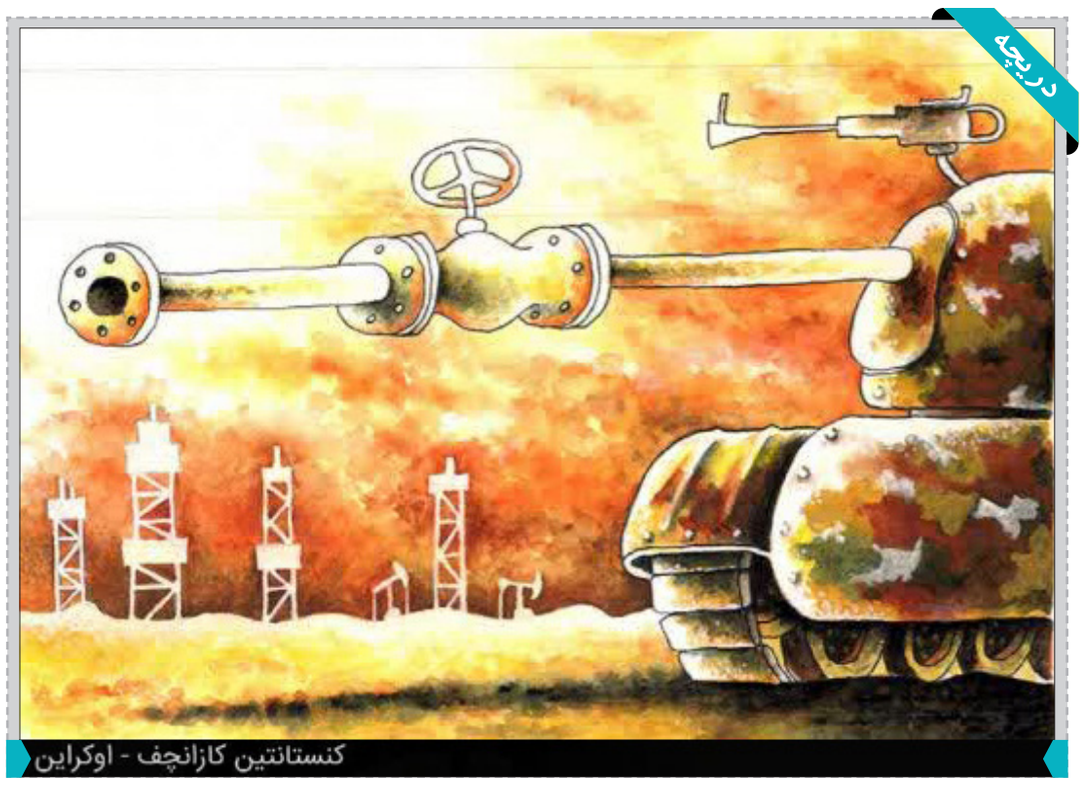

کنستانتین کازانچف - اوکراین

جزئیات سعدی

یار با ما بی‌وفایی می‌کند
بی‌گناه از من جدایی می‌کند
شمع جانم را بکشت آن بی‌وفا
جای دیگر روشنایی می‌کند
می‌کند با خویش خود بیگانگی
با غریبان آشنایی می‌کند
جوفروش است آن نگار سنگدل
با من او گندم نمایی می‌کند
یار من اوباش و قلاش است و رند
بر من او خود پارسایی می‌کند

مجازستان

- کلا غیبت کردن کار قشنگی نیست، البته که همه مون اینکارو میکنیم، اما کثیف ترین غیبت، غیبت بعد از مراسم عزاست، که شما بیای خونه و پشت سر خانواده داغدار غیبت کنی و از مراسمی ایراد بگیری که کاملا غیر منتظره‌بود.(موکاخانِم)
- به حرف‌های مجازی اعتماد نکنید، بالای ۹۹درصد دروغ و الکی هستند.در توضیح یک ویدئو نوشته بود بعد از دیدن این فیلم دیگر هیچوقت به وضعیت قبلی خود برخواهید گشت.کنجکاو شدم، نشستم فیلم رو دیدم ولی بعد دوباره روی مبل دراز کشیدم. (Echinops Kur-dicus)
- کافیه مامان‌بزرگم یه رژ بزنه،سریعاً بابابزرگم با آرنج آروم می‌زنه به ما و با ذوق میگه شازده‌خانم رو ببین چه خوشگل شده. چند وقت پیش مامان‌بزرگم گفت می‌خوام انگشتر ازدواجم رو بدم به تو،من زن خوشبختی بودم، می‌خوام تو هم خوشبخت بشی. عشق واقعی این شکلیه‌دوستان.(Behindokht)
- شما کی فهمیدید باید از خانواده‌تون جدا بشید؟خودم پارسال وقتی دیدم بابام داره با مسواک من مسواک می‌زنه و با توضیحاتش هم فهمیدم شیش ماهه که اشتباهی داره اینکارو انجام می‌ده.(حشمت کرایست)

فناوری

تکمیل بزرگ‌ترین رآکتور همجوشی هسته‌ای جهان؛ راه‌اندازی کامل تا سال ۲۰۳۹ به تعویق افتاد

مونتاژ رآکتور همجوشی ITER سرانجام با نصب آخرین سیم‌پیچ مغناطیسی تکمیل شد،اما این رآکتور تا ۱۵ سال دیگر فعالیت خود را با تمام توان آغاز نخواهد کرد.رآکتور ITER ابتدا قرار بود در سال ۲۰۲۰ راه‌اندازی اولیه شود، اما به‌دنبال تأخیرهای متعدد، اکنون دانشمندان می‌گویند که راه‌اندازی تمام‌وکمال آن در سال ۲۰۳۹ محقق خواهد شد تا دستگاهی کامل‌تر ارائه شود. براساس گزارش Live Science، مدیر کل ITER در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که مسلماً راه‌اندازی ITER مطابق نقشه‌راه پیش نمی‌رود.او همچنین گفت عاقلانه نیست که منتظر بمانیم تا همجوشی هسته‌ای مشکلات زیست‌محیطی و دیگر بحران‌های انرژی بشریت را حل کند. دانشمندان این پروژه می‌گویند که بزرگ‌ترین رآکتور همجوشی جهان اکنون مونتاژ شده، اما به‌دلیل چالش‌های گوناگون در سال ۲۰۳۹، یعنی چهارسال دیرتر از برنامه قبلی،به فعالیت با تمام توان با سوخت ترکیبی دوتریوم/تریتیوم خواهد رسید. این بدان معناست که نیروی همجوشی، که توکامک ITER در خط مقدم آن قرار دارد، بسیار بعید است که در چند سال آینده راه‌حلی برای بحران آب‌وهوای زمین باشد.به گفته مدیر کل ITER،چند سالی می‌شود که نقشه راه تدوین‌شده در ۲۰۱۶، دیگر قابل اجرا نیست. به‌عبارتی از سال ۲۰۲۰،مشخص شد که اولین پلاسمای این رآکتور در سال ۲۰۲۵ قابل دستیابی نخواهد بود. او همچنین گفت که همه‌گیری کرونا نقش مهمی در عدم دستیابی به این ضرب‌الاجل ایفا کرد، زیرا برخی از کارخانه‌های تأمین‌کننده قطعات ITER را تعطیل کرد،نیروی کار را کاهش داد و تأثیرات دیگری مانند عقب‌افتادن حمل‌ونقل دریایی و دیگر موارد ایجاد کرد. علاوه‌براین، ساخت برخی از اولین قطعات در نوع خود برای ITER نیز چالش‌برانگیزتر از آن چیزی بود که قبلاً تصور می‌شد و منجر به تأخیر شد.بزرگ‌ترین رآکتور همجوشی هسته‌ای جهان محصول همکاری بین ۳۵کشور(کشورهای اتحادیه اروپا،روسیه،چین،هند و ایالات متحده آمریکا)است.ITER قوی‌ترین آهنربای جهان را دارد و البته طراحی چشمگیر این رآکتور با هزینه‌ای به همان اندازه سنگین همراه بوده است.

تلسکوپ «جیمز وب» یک حلقه جواهرنشان پیدا کرد

این تصویر جدید از تلسکوپ فضایی جیمز وب، همگرایی گرانشی اختروش معروف به RX J۱۱۳۱-۱۲۳۱ را نشان می‌دهد که در فاصله تقریبا شش میلیارد سال نوری از زمین در صورت فلکی دهانه قرار دارد.این یکی از بهترین اختروش‌های دارای همگرایی گرانشی کشف شده تا به امروز در نظر گرفته می‌شود،زیرا کهکشان پیش‌زمینه تصویر اختروش پس‌زمینه را به یک کمان درخشان می‌چسباند و چهار تصویر از این شیء را ایجاد می‌کند.همگرایی گرانشی که اولین بار توسط اینشتین پیش‌بینی شد،فرصتی نادر برای مطالعه مناطق نزدیک به سیاهچاله در اختروش‌های دوردست است که به‌عنوان یک تلسکوپ طبیعی و بزرگ‌نمای نوری از این منابع،عمل می‌کند.تمام مواد موجود در کیهان، فضای اطراف خود را پیچ و تاب می‌دهند و توده‌های بزرگتر اثر قوی‌تری ایجاد می‌کنند.در اطراف اجرام بسیار پرجرم،مانند کهکشان‌ها، نوری که از نزدیک آنها می‌گذرد، این فضای تاب خورده را دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد که به میزان واضحی از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود.یکی از پیامدهای همگرایی گرانشی این است که می‌تواند اجرام نجومی دوردست را بزرگ‌نمایی کند و به اخترشناسان اجازه می‌دهد اجرامی را مطالعه کنند که در غیراین صورت خیلی کم‌نور یا دور بودند.اندازه‌گیری گسیل اشعه ایکس از اختروش‌ها می‌تواند نشانه‌ای از سرعت چرخش سیاهچاله مرکزی باشد و این به محققان سرنخ‌های مهمی در مورد نحوه رشد سیاهچاله‌ها در طول زمان می‌دهد.به‌عنوان مثال،اگر یک سیاه‌چاله از برخورد و ادغام بین کهکشان‌ها رشد کند،باید مواد خود را در یک قرص پایدار جمع کند.